

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دوره ۱۶، شماره ۶۲، زمستان ۱۴۰۳، صص ۳۰۲-۳۱۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۹
(مقاله پژوهشی)

DOI:

نقش تشبیه در خلق تصویرهای اثباتی شعر سیمین بهبهانی حمیرا خانجانی^۱، دکتر مریم محمودی^۲، دکتر مرتضی رشیدی^۳

چکیده

تصویر از مباحث زیبایی‌شناسی است که به کمک آن می‌توان در یک متن ادبی زیبایی‌های هنری را با اندیشه‌ها و احساسات درونی شاعر یا نویسنده به مخاطب منتقل کرد. در اشعار سیمین بهبهانی تصویر جایگاه ویژه‌ای دارد. بهبهانی تخیل و الهام را با کمک هنرنمایی‌های کلامی به‌گونه‌ای ترکیب کرده است که بتواند حالات عاطفی و نفسانی خود را در قالب صور خیال جلوه‌گر کند. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است، بررسی نقش تشبیه در ایجاد تصاویر اثباتی در شعر بهبهانی است. تصاویر اثباتی، به قصد القا و اثبات یک ادراک حسی و اندیشه عقلائی خلق می‌شوند؛ به همین جهت تشبیه در ایجاد این تصاویر بسیار موثر است. بهبهانی به‌گونه‌های مختلف از تشبیه برای خلق تصاویر اثباتی استفاده کرده است. تشبیه مفصل، موکد، بلیغ، مفروق، جمع، مضمّر، مرکب و مقید و نیز تشبیهات محسوس به محسوس و معقول به محسوس و تشبیه تمثیل از پر بسامدترین انواع تشبیه در این ارتباط است. بهبهانی بسیار هنرمندانه از وجه‌شبه‌های دوگانه در جهت خلق تصاویر اثباتی کمک گرفته است. تشبیه حسی در شعر بهبهانی بسامد بالایی دارد که در ایجاد تصاویر اثباتی موثر هستند. وجود تصویرهای موجز اثباتی نیز یکی از ویژگی‌های شعر بهبهانی است که باعث تعدد و تراحم تصاویر شده است.

کلیدواژگان: بلاغت، تصویر، تصویر اثباتی، تشبیه، سیمین بهبهانی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

homeira1222@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسؤول)

m.mahmoodi75@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

mortezarashidi51@yahoo.com



مقدمه

یکی از نقش‌هایی که در زبان‌شناسی برای زبان قائل شده‌اند، نقش ادبی یا زیبایی‌آفرینی است. یکی از شگردهایی که سبب زیبایی‌آفرینی و ادبی شدن متن می‌شود، برجسته‌سازی و هنجارگرایی ادبی است. شعر، الگویی یگانه و غیر قابل تکرار از واژه‌هاست، که هر واژه هم علامت و هم شیء است و به شکلی به کار گرفته می‌شود که هیچ نظامی خارج از شعر نمی‌تواند صورتش را پیش‌بینی کند. در بلاغت قدیم، عنصر اصلی شعر، وزن و قافیه بود، اما در نقد ادبی معاصر، اعتبار شعر بر تصویرپردازی و تخیل بنا می‌شود. شاعر به یاری تخیل و ایماژ می‌کوشد، جهان ذهن و زندگی خود را در شعر به تصویر بکشد. بنابراین می‌توان با بررسی تصاویر و عناصر تصویرساز شعری، به زندگی فردی و دنیای درونی و ذهنی شاعر راه پیدا کرد.

در شعر معاصر، تصویر و خیال پایه اصلی شعر به‌شمار می‌آید. شاعر با تصاویرذهنی و خیالی، شعر خود را هنری می‌کند. موفقیت شاعر در ایجاد تصویری خلاق و پرکشش به نوع تصویر و عوامل تصویرساز در شعر بستگی دارد. شاعر برای ذهنی کردن جهان بیرون و ملموس نمودن ذهنیات خود از عناصر تصویرساز بهره می‌گیرد، بنابراین مهارت و ابتکار شاعر در به‌کارگیری عناصر تصویرساز و اقلانعی در آفرینش تصاویر نو و هنرمندانه مؤثر است. تصویرهای شعری به وسعت دید شاعر و عمق خیال و عاطفه او بستگی دارد. هرچه شاعر در اثر خود از خیال، عاطفه و اغراق‌های شاعرانه بیشتری بهره ببرد و گستره دید او وسیع‌تر باشد، تصاویر ارائه‌شده در سروده‌های وی شگفت‌انگیزتر و تأثیر آن بر خواننده عمیق‌تر و شعر وی ماندگارتر خواهد بود. چگونگی تخیل و بار عاطفی شعر، دو مؤلفه مهمی است که هر تصویر شعری برای جاودانگی، به آن نیازمند است. نیز، تخیل بدون بار عاطفی و احساسی، عنصری خشک و بی‌روح است و آن گونه که شاعر انتظار دارد تأثیر چندانی بر مخاطب نخواهد گذاشت. برخی شاعران، فرایند تخیل و تصویرسازی را برای تشریح و اثبات مفاهیم و دانش‌های دیگر به کار می‌برند و برخی نیز هدفشان از تصویرسازی، خلق زیبایی و ارائه تابلوی هنرمندانه از طبیعت پیرامون است. به بیان دیگر گاه تصاویر شعری فقط بیان تجربه‌های شاعرانه است و گاه در خدمت پدیده دیگری قرار می‌گیرند؛ که بر این اساس به دو نوع تصویر اثباتی و تصویر اتفاقی دسته‌بندی شده‌اند. مبنای این تقسیم‌بندی حسی و قابل تجسم بودن تصویر و هم‌خوانی آن با معیارهای عقلانی است.

پیشینه تحقیق

درباره تشبیه در شعر سیمین بهبهانی مقالاتی نوشته شده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- حمیرا خانجانی و همکاران (۱۴۰۱) «سطوح بلاغی خیال در تصاویر شعری دشت ارژن از سیمین بهبهانی» (۱۴۰۱) در این مقاله تصاویر شعری دفتر «دشت ارژن» سیمین بهبهانی، از منظر بلاغت تصویر و کیفیت تصاویر از منظر لایه های درونی و برونی و نیز نگاه شاعر در عرصه خیال‌پردازی و تصویرسازی بررسی و این نتیجه حاصل شده که تصاویر شعری این دفتر، بیشتر از نوع تصاویر اعماق و اتفاقی است. ۲- مهرناز اسماعیلی بروجنی و همکاران (۱۳۹۹) «تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر؛ تجددگرایان محافظه‌کار، رمانتیسیم». نویسندگان درباره تشبیه در شعر او معتقدند که در شعر بهبهانی دلالت‌های عاشقانه و حماسی به هم آمیخته است و شبهه‌های اشعار او بیشتر از نوع عقلی و شبهه‌ها از نوع حسی است. ۳- امید درویشی و کطیور زیرک‌ساز (۱۳۹۹) «نشانه‌های بلاغی در شعر سیمین بهبهانی». در این مقاله نیز تشبیه در کنار صور خیال دیگر به صورت مختصر بررسی شده است. در مقاله- های مذکور، اولاً تشبیه در کنار سایر تصاویر بررسی شده، ثانیاً نقش تشبیه در ایجاد تصاویر اثباتی مورد نظر نبوده است. ۴- مهدی شریفیان و اعظم پوینده‌پور (۱۳۸۹) «ذهن و زبان سیمین بهبهانی». در این مقاله تشبیه به عنوان یکی از صور خیال به صورت مختصر و با ذکر شواهدی محدود بررسی شده است. ۵- سیروس شمیسا و محبوبه کاشی (۱۳۸۸) «بیان و جلوه های صور خیال در شعر سیمین بهبهانی» در این مقاله انواع تصاویر (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) جمع- آوری و نتیجه‌های آماری و بسامدی ارائه شده است. ۶- پریسا شجاعی (۱۳۸۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «فرهنگ تشبیهات در دیوان سیمین بهبهانی» تشبیهات دیوان بهبهانی را و در نهایت فرهنگ تشبیه اشعار او را ارائه کرده است.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

مبانی تحقیق

مقصود از تصاویر اثباتی، تصاویری است که به قصد القا و اثبات «یک ادراک حسی و اندیشه عقلانی» خلق می‌شوند. گاهی شاعر به قصد اثبات عقیده و نگرش خود، تصویرآفرینی

می‌کند. این تصاویر باید قابل تجسم باشند تا خواننده بتواند، مقصود و اندیشه شاعر را به خوبی درک کند. (ر.ک: فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۶: ۶۰) ویژگی بارز این گونه تصاویر، صراحت، وضوح و همخوانی با معیارهای عقلانی مخاطب است. در تصویر اثباتی، دنیای درون هنرمند از عالم خارج جداست؛ بنابراین تصویر ظرف احساس هنرمند نیست، بلکه تلاشی است که شاعر برای بیان و اثبات عقیده خویش از طریق معادل سازی و برقراری ارتباط میان اندیشه ذهنی و عناصر طبیعت به کار می‌بندد. این تصویر با برقراری پیوند و ارتباط بین اندیشه ذهنی شاعر و عناصر طبیعت خلق می‌شود و تابع رابطه شناخته شده‌ای میان دو بخش است. منشأ این نوع تصویر تشابه، تقارن و همانندی میان امور حسی است. تصویر اثباتی، نوعی معادله خردمندانه است که بر اساس رابطه جانشینی و هم‌نشینی شکل می‌یرد و در خدمت معنی و نظم‌دهنده به اندیشه است. تصویر اثباتی، ثابت است و تن به یک معنی واحد می‌دهد و منطق زبان و الفاظ بر آن حاکم است. (ر.ک: همان: ۶۰)

سیمین بهبهانی شاعر و غزل‌سرای معاصر ایرانی، در بین انواع صور خیال گرایش خاصی به تشبیه دارد و می‌کوشد اندیشه‌های خود را از این طریق نمایان سازد. تشبیه از زیباترین و پربسامدترین صور خیال در شعر بهبهانی است. همچنین تصاویر اثباتی در جهت قصد اثبات عقیده و نگرش شاعر، در شعر بهبهانی بسامد بالایی دارد. تشبیه در خلق این تصاویر بسیار موثر است.

بحث

تصویر اثباتی وظیفه آموزش و آگاهی‌بخشی و اثبات دعاوی را به عهده دارد، به همین سبب با شگردهای بلاغی نظیر تشبیهات حسی، تشبیه تمثیل و حکایت‌های تمثیلی ساده خلق می‌شود؛ زیرا این شگردهای ادبی از قدرت اثباتی و اقناعی بالایی برخوردار هستند. تشبیه همواره در کلام شاعران و نویسندگان به عنوان وسیله‌ای در جهت تصویرسازی کاربرد وسیع داشته است. «تشبیهات راهی به سوی معانی پنهان در اشیا هستند تا آن معانی کشف و آشکار شوند و برای افکار به تصویر کشیده شوند.» (زمخشری، بی تا: ۲۰۷) نقش تشبیه در تصویرآفرینی‌های شاعران تا آنجاست که گفته‌اند: «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) در این مقاله تنها تشبیهاتی که در ایجاد تصاویر اثباتی شعر بهبهانی

موثر بوده‌اند، در سه حوزه ساختمان تشبیه، طرفین تشبیه، مقید و مرکب بودن و شکل بررسی می‌شوند.

ساختمان تشبیه

الف- تشبیه مفصل: در شعر بهبهانی و شکل‌گیری تصاویر اتفاقی پرکاربردترین تشبیه، تشبیه مفصل است. در این نوع تشبیه هر چهار رکن ذکر می‌شود و مخاطب جایگاه چندانی در تفسیر و تحلیل تشبیه ندارد. این همان ساختاری است که آن را «خواندنی» گفته‌اند: «خواندنی نامیده- شدن چنین متنی به معنی برجسته‌ساختن شیوه‌ای است که خواننده‌اش از آن طریق در موضع یک دریافت‌کننده نسبتاً منفعل است.» (گراهام، ۱۳۸۰: ۱۱۴) هر چند گفته شده است که «توجه شاعر بدین نوع تشبیه می‌تواند بیانگر پرهیز او از شعر سمبلیک و استعاره‌ای باشد.» (یوسفی و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۷) اما به نظر می‌رسد دلیل اصلی کاربرد وسیع این نوع تشبیه در شعر بهبهانی «نبودن تشبیه‌ها باشد که هرچند در قالب زبانی آرکاییک بیان شده‌اند اما برای آن که مخاطب بتواند ارتباط بین مشبه و مشبه‌به را بهتر کشف کند مجبور به ذکر وجه‌شبه نیز شده است.» (اسماعیلی بروجنی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۶) در بیت زیر شاعر به کمک تشبیه مفصل، میان پدیده-ها پیوند صوری ایجاد و تصویر اثباتی خلق کرده است:

گریزانی ز من، چون لاله از خورشید تابستان مگر از تابشم، ای نازنین! جان تو می‌سوزد؟
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۷۳)

در بیت زیر دو تصویر مقابل هم در دو مصراع دیده می‌شود؛ «غنچه که گره در گلو دارد» مشبه به برای عاشق و «گل که در مجلس دیگران خنده بر لب دارد»؛ مشبه‌به برای معشوق، وجه‌شبه در هر دو تشبیه دوگانه است:

از گریه همچو غنچه گره در گلوی ماست تا همچو گل به بزم کسان خنده‌رو شدی
(همان: ۱۸۱)

بهبهانی برای آن که مخاطب در فرایند کشف و فهم تصویر مشارکت داشته باشد از تشبیه مفصل کمک می‌گیرد زیرا «ایجاد این زمینه مشارکت، گاه از طریق حذف وجه شبه و گاه با انتخاب یک مشبه‌به که مابین آن نسبت به مشبه بیشتر از مشابهت آن به ذهن متبادر می‌شود صورت می‌گیرد.» (پارساپور، ۱۳۸۳: ۵۰) مانند بیت زیر:

همچو مهتاب خزانم که به بزم شب من جز گل ریخته و شاخه‌عربانی نیست

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۷۹)

«وقتی شاعر وجه‌شبه را ذکر می‌کند، در واقع تلاشی را که باید ذهن خواننده برای کشف رابطه میان دو سوی تشبیه انجام دهد، شاعر خود به انجام رسانده است. به همین جهت است که در تشبیهی که وجه‌شبه در آن ذکر می‌شود، تصویر یک بار و برای همیشه مفهوم خود را عرضه می‌کند.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲) در بیت زیر تصویر ایجاد شده اثباتی، حسی، خردباور و رونوشتی از طبیعت است.

نسیم شوق تو چون گل به لرزه‌ام افکند برابرت سر فرمان فرود می‌آرم

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۹۴)

در بیت زیر، در هر دو تشبیه وجه‌شبه برای مشبه‌به جان‌بخشی و برای مشبه کنایه است. تصویری که از چنین تشبیهاتی خلق می‌شود، سیال بین اثباتی و اتفاقی است.

چون باد صبا با تن هر غنچه بیامیز چون غنچه بر باد صبا جامه قباکن

(همان: ۲۰۵)

ب- تشبیه موکد: حذف ادات تشبیه، ابهام و دیریابی تشبیه را بیشتر می‌کند و خواننده را به دقت و باریک‌نگری بیشتر وا می‌دارد. حذف ادات، نشان‌داری کلام را می‌کاهد و زمینه را برای فعالیت ذهنی مخاطب فراهم می‌کند و تشبیه را به استعاره نزدیک می‌کند. حذف ادات عاملی است برای پر تاثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه؛ زیرا غرض اصلی از تشبیه «عینیت» بخشیدن به دو چیز مختلف است؛ یا بهتر بگوییم عینیت بخشیدن است به دو چیزی که «غیریت» دارند، چون ادات حذف شود، عینیت به صورت محسوس‌تر و دقیق‌تر نمایانده می‌شود. (ر.ک: شفيعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۶۶) در یک تصویرسازی اثباتی، شاعر برای برای نشان دادن درماندگی-اش، خود را به «صدای پیچیده در کوه که به سوی منبع صوت برمی‌گردد» تشبیه کرده است:

نغمه سر داده در کوهم، به خود برگشته‌ام کی به سوی غیر خود راه فراری داشتم

(همان: ۱۸۸)

تشبیه وسعت و زاویه دید شاعر را نشان می‌دهد، به همین دلیل گفته‌اند: «مشاهده تصاویری که شبیه اصل باشند، موجب خوشایندی می‌شود؛ زیرا ما از مشاهده این تصاویر اطلاع و معرفت به احوال اصل آن صورت‌ها پیدا می‌کنیم.» (ارسطو، ۱۳۶۹: ۲۶) در بیت زیر

تصویرسازی با مشبیه «آب و آتش» برای نشان دادن و اثبات تضاد و ناسازگاری «من و تو» است:

من قطره‌های آبم و تو آتش من با تو سازگار نخواهم شد
تنها دمی چو با تو درآمیزم چیزی به جز بخار نخواهد شد
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۸۳)

در بیت زیر تشبیه راوی شعر به «شراب» و به «لاله خودرو» و به «گل‌های وحشی کوهسار»، تصویری اثباتی است که در نتیجه یک تقارن و همانندی میان امور حسی ایجاد شده است:

بودم شراب ناب به مینای زرنگار مستی ده و لطیف و فرح‌بخش و خوشگوار
(همان: ۲۰۳)

در بیت زیر تشبیه تفضیل «آشفته‌تر از موی تو» وجه شبه دوگانه «آشفته» تصویری اثباتی به-وجود آورده است. «اصولا وجه‌شبهی که دارای استخدام است، نشان دهنده وسعت دید و قدرت تخیل شاعر است. چنین وجه‌شبهی علاوه بر ایجاد معانی گوناگون فعالیت ذهنی خواننده را دو چندان می‌کند.» (هادی و نصیری، ۱۳۹۲: ۱۱۹)

سوگند به موی تو که از کوی تو رفتیم از کوی تو آشفته‌تر از موی تو رفتیم
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۳۲)

ج- تشبیه بلیغ: در میان انواع تشبیه، این نوع از بهترین انواع به لحاظ سرعت انتقال مفهوم و تاثیرگذاری است. این تشبیه را رساترین و زیباترین شکل تشبیه می‌دانند زیرا ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبیه در این نوع تشبیه قوی‌تر است تا آنجا که برخی این نوع از تشبیه را استعاره دانسته‌اند. (ر.ک: علوی مقدم و اشراف‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۸) در تشبیه بلیغ اضافی اتحاد مشبه و مشبیه قوی‌تر است و در عین مختصربودن برانگیزنده خیال و تداعی‌گر تصویر در ذهن مخاطب است. «استفاده از وجه‌شبه و ادات تشبیه بر روی محور هم‌نشینی بر توضیح عملکرد می‌افزاید تا مدلول به مصداق نزدیک‌تر شود. به همین دلیل است که کاربرد تشبیه در دورترین فاصله میان مدلول و مصداق تشبیه بلیغ نامیده می‌شود.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲۶) یکی از ویژگی‌های این نوع تشبیه در شعر بهبهانی آن است که اغلب مشبیه حسی و مشبه عقلی است. این نوع تشبیه که بیشتر در قالب ترکیب اضافی دیده می‌شود نشان از تمایل شاعر به هنرنمایی و پرهیز از اطناب و زیاده‌گویی دارد. نمونه‌هایی از این نوع تشبیه در شعر بهبهانی:

سیمین! به شام هجر او، نیلینه دارم دامنی از اختران اشک خود، دامن گردونش
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۹۹)

جگرم چاک شد از خنجر خونریز ملامت تا چو گل راز دل خویش به بیگانه نمودم
(همان: ۲۲۹)

عطرِ عشق (۲۰۶)، سپهر نام (۲۴۳)، شبنم خیال، گلبرگ یادِ یار (۲۹۳) شهابِ یاد تو، آسمان
خاطر من (۲۹۴) غنچه صبر، سرانگشت شتابی (۲۹۵) گل رویا، گلزار عدم، ویرانه غم (۳۰۳)
تشبیه بلیغ اضافی از نوع حسی به حسی نیز که در ایجاد تصاویر اثباتی موثر هستند در شعر
بهبهانی بسامد بالایی دارد. نمونه‌ها: زرِ چهره (۱۷۵)، شعله نگاه (۱۹۶)، اختران اشک خود
(۱۹۹)، با کودک نگاه (۲۰۶)، حلقه بازوی (۲۱۴)، آینه ماه (۲۱۹) گل مهتاب (۲۹۱).

تشبیه از نظر طرفین

الف- تشبیه محسوس به محسوس: در اشعار بهبهانی حس و عاطفه جایگزین تصویرهای
عینی شده و این تصاویر حسی وجه عاطفی شعر او را تقویت می‌کند. یکی از نشانه‌های سنت-
گرایی در شعر بهبهانی وفور تشبیهات حسی به حسی است. می‌توان گفت استفاده از طرفین
محسوس در تشبیه راهکاری است که بهبهانی برای ترسیم زنده و عینی جهان از آن استفاده
کرده است. در بیت زیر تشبیه‌های حسی به حسی با وجه شبه‌های دوگانه استفاده شده است:
ما همچو غنچه یک دل و یک روی مانده‌ایم با ما چرا چو لاله دو رنگ و دو رو شدی؟

(همان: ۱۸۱)

در بیت زیر نیز شاعر در یک تشبیه حسی به حسی، وجه شبه دوگانه «حسود بودن» را به کار
می‌برد و مشبهه را جاندار و دارای احساس می‌پندارد. این امر از سویی در ایجاد تصویر اثباتی
موثر واقع شده و از سوی دیگر به نوشتن تصویر تشبیهی کمک کرده است:

چو ابر تیره حسودم، روا ندارم چرخ ز بام غیر تو را همچو اختر آویزد
(همان: ۲۰۲)

بهبهانی با برقراری پیوند با طبیعت، نوعی نوآوری مبتکرانه در حوزه کاربرد تشبیه در غزل
ایجاد کرده است. در بیت زیر «من همچو گل» تشبیه حسی به حسی تصویری سیال میان اثبات
و الهام شاعرانه است. «خنده خورشید» حاصل الهامی است که فقط در ذهن شاعر اتفاق می‌افتد:
چشمش به من فتاد و به ناگاه خنده زد من همچو گل ز خنده خورشید و اشد

(همان: ۲۰۳)

در تصویر زیر هم مثل تصویر بیت قبل، هدف زیبایی‌آفرینی نیست بلکه اثبات ویژگی برای مشبه است.

کلالة گل خورشیدم و برهنه ولی تن جهان همه در اطللسِ زری خواهم

(همان: ۳۱۲)

کاربرد مشبه‌به‌های نو و غیرمعمول در این نوع تشبیهات، راهی برای تازه کردن تشبیه و دورکردن آن از ابتذال است. هرچه مضامین در شعر شاعر تنوع و تعدد بیشتری داشته باشد، مشبه‌به نیز تنوع بیشتر دارد. «ورود موضوعات و واژه‌های جدید به عرصه ادبیات تنها دایره مشبه را توسعه نمی‌بخشد؛ بلکه هنری‌تر از آن به تنوع مشبه‌به‌ها نیز یاری می‌رساند.» (سلیمانی، اسکندری، ۱۳۹۶: ۲۰۴) در بیت زیر بهبهرانی لب را به خوابگاه بوسه‌های ننگین تشبیه کرده است که بی‌سابقه و تازه است:

لبم که خوابگاه بوسه‌های ننگین است گشوده شد ز چه رو با خدا خدایی چند؟

(بهبهرانی، ۱۳۸۵: ۳۰۷)

نیز در بیت زیر سینه خود را به اجاق عشق مانند کرده است که تشبیهی بدیع و تصویری اثباتی است:

کجا ز سینه خود خوبتر توانم یافت؟ اجاق آتش عشق تو مرمری خواهم

(همان: ۳۱۲)

در ابیات زیر تشبیه آبشار به مسواک، سنگ به دندان شکسته و بستر آبشار به دهن تازه و بدیع است:

آبشار بلند چون مسواک	تن به دندان صخره‌ها می‌زد
رشته‌های سپید سیمینش	بر تن صخره‌ها جلا می‌زد
سنگ‌ها چون شکسته دندان‌ها	نامر تب، سیاه، افتاده
بستر آبشار چون دهنی	از غریبی به زجر جان داده

(همان: ۳۸۳)

«سخنور توانا و نکته‌سنج کسی است که می‌تواند پندارهای بی‌فروغ را دگر بار به شیوه‌ای رونق و روایی ببخشد و تا جایی که می‌تواند آن پندار را به گونه‌ای در سخن خویش بیاورد که

رنگ‌باختگی و کهنگی آن هرچه بیشتر نهفته ماند و نوآیین فرا چشم آید» (کزازی، ۱۳۸۹: ۶۷) و بهبهانی از جمله شاعرانی است که در نوکردن تصاویر تشبیهی توانمند است.

ب- تشبیه معقول به محسوس: بهبهانی با برقرار کردن ارتباط بین عناصر انتزاعی و عناصر دیگر، فضای گسترده‌تری برای درک زیبایی کلامش فراهم کرده است که باعث می‌شود احساس لطیف شاعرانه بهتر و بیشتر به خواننده القا شود؛ زیرا «تصویر، آنگاه جنبه هنری پیدا می‌کند که امر معقولی را به محسوسی پیوند دهند.» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹) مفاهیم انتزاعی که بهبهانی در شعرش استفاده می‌کند، فراوان نیست، اما مفاهیمی مانند جوانی، عشق، خیال، خاطر و غم نمود بیشتری دارد.

سیمین! شباب رهگذری نغمه‌ساز بود هر دم به گوش، زمزمه‌اش دورتر
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰)

ز انتخاب فرومانده‌ام که عشق و عفاف دو کفه‌ای ست که با هم برابر آویزد
(همان: ۲۰۲)

تشبیه دل آزرد و رنج‌دیده به میوه قهوه‌ای‌رنگ و پر خار چنار چون به قصد نشان دادن و اثبات اندوه و رنج است، از دیدگاه کارکرد تصویر اثباتی به شمار می‌رود.

میوه‌های خارپشتی، قهوه‌رنگ و غرق سوزن طرح کوچک دلم را بسته روی
(همان: ۷۸۲)

مانندکردن «انتظار به شوره‌زار» تشبیه عقلی به حسی برای نشان دادن بی‌حاصل بودن انتظار تصویری اثباتی است.

شوره‌زار انتظارم در خور گل‌ها نبود گو برویاند که دل را نیش خاری آرزوست
(همان: ۳۰۵)

تشبیه به اعتبار مقید و مرکب بودن

الف- تشبیه مقید: شاعران صاحب‌ذوق معاصر، با متحول شدن محیط اجتماعی و زندگی و درگیر شدن با فضاهای هنری تازه و تجربه‌های جدید تشبیهاتی نو را به عرصه شعر وارد کردند. یکی از روش‌هایی که بهبهانی برای نوکردن تصاویر تشبیهی از آن بهره برده است، صفت هنری است که عبارت است از «هرگونه صفتی که شاعر به همراه مشبه یا مشبه‌به می‌آورد و تلاش می‌کند ویژگی آن‌ها را بیشتر روشن نماید.» (جمکرانی، ۱۳۸۴: ۹۶) گاهی با مقیدکردن

مشبه یا مشبه‌به از طریق جزیی‌تر کردن نگاه به آن‌ها ابتدال و تکراری بودن تشبیه کمتر جلوه‌گر می‌کند. در این نوع از تشبیهات گاهی ادات و مشبه‌به به مشبه اضافه شده‌اند:

چون مادر از نوازش و مهرم چه چاره هست با کودکِ نگاهِ چنین بی‌گناه تو
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۰۶)

آن شعله نگاه پر از آرزو چه شد؟ وان بوسه‌های گرم فزون از شمار کو؟
(همان: ۳۱۱)

گاهی نیز ادات و مشبه‌به صفت مشبه هستند و مشبه را نشان‌دار و به خلق تصویر اثباتی کمک کرده‌اند:

از عمرِ چون غروب، زمانی نمانده است وز جورِ شام تیره امانی نمانده است
(همان: ۲۹۳)

جسمی ز داغ عشق بتان، پر شرر مراست روحی چو باد سرد خزان، در به در مراست
(همان: ۲۰۰)

گاهی وجه شبه به شکل صفت هنری با یکی از طرفین تشبیه ذکر می‌شود که نشان از آن دارد که شاعر، وجه شبه را از کدام طرف تشبیه اخذ کرده است:

شمعیم پاک سوخته در بزم عاشقی تا ماجرا کنیم، زبانی نمانده است
(همان: ۲۹۳)

پرنیانِ مهتابم، در خموشی شب‌ها همچو کوه پا برجا، سربنه به دامانم
(همان: ۲۹۶)

ب- تشبیه مرکب: در تشبیه مرکب، مشبه در بستری از تصاویر متعدد، گسترش می‌یابد. غرض شاعر در تشبیه مرکب، خلق تصویری تازه و چند بعدی با استفاده از طرفین تشبیه است. بهبهانی به کمک تشبیه مرکب در قالب تک بیت‌ها تصویرهای اثباتی ایجاد کرده است:

سحر به دامن یادت سرشک من آویخت چو شبنمی که به دامن گل درآویزد
(همان: ۲۰۲)

به رسن‌های وفا، پای گریزِ تو ببندم همچو تاکی که ز هر شاخه او رسته رسن‌ها
(همان: ۴۲۹)

بهبهانی از رهگذر این تشبیه، به مادی کردن امور انتزاعی می‌پردازد. در بیت زیر با ایجاد تصویری از نوع اثباتی، خودش را در اسارت غم به پرستو در اسارت شاهین مانند کرده است: این حال و این هوا با من غم را ستیزه‌ها با من گویی که جره شاهینی افتاده در پرستویی (همان: ۷۹۷)

در بیت زیر نیز به کمک تشبیه مرکب بی‌اعتباری و سستی عشق را به تصویر کشیده است: تکیه کردم بر محبت، همچو نیلوفر بر آب اعتبار از پایه بی‌اعتباری داشتم (همان: ۱۸۸)

تشبیهات مرکب در شعر بهبهانی با زندگی روزمره مردم پیوند خورده است و همین امر باعث گیرایی و جذابیت بیشتر آن‌ها شده است.

سیمین! به شام هجر او، نیلینه دارم دامنی از اختران اشک خود، دامن گردنش کنم (همان: ۱۹۹)

به رخ کشیده نگاهم ز اشک پرده چنان که نوعروس غمین روی بند توری را (همان)

تشبیه به اعتبار شکل

الف - تشبیه مضمّر: تشبیه مضمّر راهی برای ورود به مضامین نو و تازه در شعر و نثر ادبی است. در بیت زیر برای اثبات تفاوت مقام عاشق و معشوق در یک تشبیه پنهان، که از شیوه‌های تصویرسازی اثباتی است، آن دو را به زمین و آسمان مانند کرده است: آسمان در افق آمیخت به کوتاهی خاک با من آمیختنت مشکل چندانی نیست (همان: ۱۷۹)

در مصراع اول بیت زیر شاعر می‌گوید: «چرخ، ماه را مانند آینه مقابل چهره تو گرفت» و در مصراع دوم در تشبیهی مضمّر چرخ را سرافرازترین آینه‌دار می‌نامد و اینگونه با معادل‌سازی این دو سوی تصویر، تصویری اثباتی خلق می‌کند:

چرخ، در پیش رخت، آینه ماه گرفت کس سرافرازتر از آینه‌دار تو نبود (همان: ۲۱۹)

در تشبیه مشبه‌به، وجه‌شبهه را به کمال در خود دارد، ولی گاهی مشبهه را با آن مقایسه می‌کنند که باعث شکل‌گیری تشبیه مضمر می‌شود. یکی از راه‌های مقایسه استفاده از صفت تفضیلی است:

پریشان‌تر از ابرم نگویم که یادم کن به خاطر ز تصویرم مبادت پریشانی
(همان: ۱۰۰۳)

دلم گرفته‌تر از آسمان پر ابر است سرشک گرم چو باران ز دیده می‌بارم
(همان: ۱۹۴)

روش دیگر برای پوشاندن رابطه مشبه و مشبه‌به استفاده از حروف ندا برای ایجاد ارتباط بین آنهاست. در این روش شاعر به شکلی غیرمستقیم میان دو سوی تصویر رابطه برقرار می‌کند:

ای باز تیزپر که گرفتاری بر پای خویش بند که را داری
ای شیر پر غرور که در دامی بر سر بگو کمند که را داری
(همان: ۱۹۶)

ای رمز ناگشوده! کلیدت را در دست عاج فام که پنهان کرد
ای موج ناغنوده کدامین عشق سرگشته ات ز گردش توفان کرد
(همان: ۱۹۶)

ب- تشبیه جمع: یکی از ویژگی‌های شعر بهبهانی وجود تصویرهای موجز اثباتی در آن است که این امر خود باعث تعدد و تراحم تصاویر نیز شده است. کاربرد تشبیه جمع به این انباشتگی و کوتاهی تصاویر کمک کرده است:

قطره ای بی‌رنگ بودم نور عشق از من گذشت بر سپهر نام چون رنگین‌کمان افتاده‌ام
(همان: ۲۴۳)

روزگاری شمع بودم سوختم افروختم غرق اشک خود کنون چون ریسمان افتاده‌ام
(همان: ۲۴۳)

شاخه سر درهمم گر بر بلندی خفته‌ام جفت خاک ره چون نقش سایبان افتاده‌ام
(همان: ۲۴۳)

از آن ترسم که کودک وار بر خاکت بیفشانم نیندیشم که در دستم شراب خانه‌پروردی
(همان: ۸۱۱)

چنان از تو سرشارم که طاقت نمی‌آرم حبابم که می‌ترکم شرابم که می‌جوشم

(همان: ۸۵۲)

ج- تشبیه مفروق: تعدّد تشبیه موجب خیال‌انگیزی و تلاش ذهنی بیشتر مخاطب می‌شود. این قسم تشبیه در شعر بهبهانی بسیار مکرّر و فراوان در خلق تصاویر اثباتی استفاده شده است:

در محفل ما چشم و چراغ همه بودی اکنون گفت ابر و تو خورشید نهانی

(همان: ۸۲۱)

چو برکه از دل صافم فروغ عشق بجوی اگرچه آیت غم چهر پرشیار من است

(همان: ۲۴۵)

سیمین! تو ساقی سخنی وز شراب شعر یک جرعه در پیاله هر گوش می‌کنی

(همان: ۳۰۲)

هنوز دالان گوش او پر از کلاغان شیون است دل تو تالار آینه نگاه تو باغ سوسن است

(همان: ۸۵۵)

د- تشبیه تمثیل: بهبهانی از اسلوب معادله که خود نوعی تمثیل است در جهت خلق تصویرهای اثباتی بهره برده است. «در جهان شعر، شناخت بر اساس ایجاد رابطه بین تصویرهای برساخته شاعر از جهان پیرامون و برقرار کردن یک رابطه منطقی بین آن تصویرها و گزاره‌های معقول صورت می‌گیرد.» (حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۱۶۴) هدف تصویرسازی اثباتی در تشبیه تمثیلی زیر مقایسه امری ذهنی با پدیده‌ای عینی است.

به خانه گرچه اسیرم خیال من با توس درخت بارور از بام و در سر آویزد

(همان: ۲۰۲)

در اسلوب معادله شاعر برای بیان مفهوم مورد نظر خود از روشی منطقی بهره می‌گیرد. «رویه هنری اسلوب معادله، تمثیل و تشبیه و زیرساخت منطقی آن نوعی استدلال شاعرانه است.» (حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۱۶۷) در ابیات زیر تعادلی منطقی بین دو طرف تشبیه به کمک تمثیل برقرار و تصویری اثباتی ایجاد شده است:

از اشک من شکفته شود قلبت از غرور آری، ز شبنم است که گل آبرو گرفت

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

ز اشک من چه می‌دانی گرانی‌های دردم را ز توفان شبنمی دیدی ز دریا گوهری دیدی

(همان: ۲۳۵)

اما غبار غم‌ها را از خاطرم که می‌شوید؟ باران نشسته ظلمت را از روزهای بارانی
(همان: ۷۸۹)

نتیجه‌گیری

سیمین بهبهانی در تصاویر اثباتی شعرش در پی اثبات عقیده و نگرش خاص خود است. این امر موجب استفاده بیشتر او از تصویرهای حسی و قابل تجسم شده است. تشبیه از جمله صور خیالی است که در خلق این نوع تصاویر در شعر بهبهانی بسیار موثر بوده است. تشبیه در شعر او به گونه‌ای است که می‌توان دریافت کشف تناسب و تشابه و وحدت و هماهنگی بین اجزاء هستی تا چه حد لذت‌بخش و شورآفرین است. در تشبیهات او تصاویر شفاف و واضح و منطبق با معیارهای عقلانی است. بهبهانی از تشبیه مفصل، موکد، بلیغ، مضمر، مفروق، جمع و تمثیل و نیز تشبیهات مرکب در جهت خلق تصاویر اثباتی استفاده کرده است. بسامد بالای کاربرد تشبیهات محسوس و مفصل که در موارد بسیاری با مایه‌هایی از خیال نیز آمیخته شده در جهت آفرینش اینگونه تصاویر است.

منابع

کتاب‌ها

- ارسطو. (۱۳۶۹). فن شعر، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: امیرکبیر.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۵). مجموعه اشعار، تهران: نگاه.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه، تهران: نگاه.
- زمخشری، جاراالله محمود. (بی‌تا). اساس البلاغه، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان، تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۰). از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر)، تهران: پژوهشگاه هنر و اندیشه.
- علوی مقدم، محمد، و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۸). معانی و بیان، تهران: انتشارات سمت.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- کروچه، بندتو. (۱۳۴۴). کلیات زیبایی‌شناسی، ترجمه فؤاد رحمانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). بیان، تهران: مرکز.

گرهام، آلن. (۱۳۸۰). بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانخواه، تهران: مرکز.

مقالات

اسماعیلی، مهرناز، مالملی، امیدوار، و سهراب‌نژاد، سیدعلی. (۱۳۹۹). تحلیل تناسب تشبیه با بافت کلام در دو جریان شعری معاصر: تجدیدگرایان محافظه‌کار، رمانتیسیم (مطالعه موردی: اشعار سیمین بهبهانی، بهار، حمید مصدق و فریدون مشیری). *ادبیات پارسی معاصر*، ۱۰(۲)، ۴۹-۳۱. doi: 10.30465/copl.2021.6145

رضایی جمکرانی، احمدرضا. (۱۳۸۴). نقش تشبیه در دگرگونی های سبکی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۰.

حکیم آذر، محمد. (۱۳۹۰). اسلوب معادله در غزل سعدی. *ادبیات تعلیمی*، ۳(۹)، ۱۶۳-۱۸۴. سلیمانی، علی، و اسکندری، بهاء‌الدین. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی مشبه و مشبه‌به‌های سعدی شیرازی و شفیع کدکنی. *علوم ادبی*، ۷(۱۲)، ۱۹۹-۲۳۲. doi: 10.22091/JLS.2018.1708 1080

هادی، روح‌الله، و نصیری، زینب. (۱۳۹۲). ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین، *ادب فارسی*، ۲(۲)، ۱۱۵-۱۳۱. Doi: 10.22059/JPL.2014.50470

یوسفی، سهراب، خالدیان، محمدعلی، هادی، روح‌الله، و عباسپور اسفدن، حسنعلی. (۱۴۰۲). مقایسه تطبیقی اشکال گوناگون تشبیه در حدیقه سنایی و مثنوی معنوی، *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۵(۵۵)، ۵۲-۷۲. doi:10.30495/dk.2023.700256

References

Books

- Alavi Moghadam, M., & Ashrafzadeh, R. (2009). *Meanings and expressions*, Tehran: Samit Publications. [In Persian]
- Aristotle. (1990). *The art of poetry*, Trans. Abdul Hossein Zarinkoub, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Behbahani, S. (2006). *collection of poems*, Tehran: Negah. [In Persian]
- Fotuhi Roudmajni, M. (2006). *The Rhetoric of Image*, Tehran: Sokhn. [In Persian]
- Graham, A. (2001). *Intertextuality*, Trans. Payam Yazdankhah, Tehran: Center. [In Persian]
- Kezazi, J. (2010). *Bayan*, Tehran: Marzen. [In Persian]
- Krochek, B. (1965). *General Aesthetics*, Trans. Fouad Rahmani, Tehran: Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (2011). *Traveling in the fog*, Tehran: Negah. [In Persian]

Safavi, K. (2001). *from linguistics to literature (poetry)*, Tehran: Research Institute of Islamic Art and Thought. [In Persian]

Shafii-Kadkani, M. R. (1993). *Images of imagination in Persian poetry*, Tehran: Agha. [In Persian]

Shamisa, S. (2002). *Bayan*, Tehran: Ferdous. [In Persian]

Zamakhshari, J. M. (No date). *Basis of Al-Balagha*, researched by Mohammad Bassel Ayoun Al-Soud, Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya. [In Persian]

۳۱۸

Articles

Esmaeili, M., Malmelli, O., & Sohrab-Nejad, S. A. (2020). Analysis of the Fit of Simile with the Context of the Word in Two Contemporary Poetic Movements: Conservative Renewalists, Romanticism (Case Study: Poems by Simin Behbahani, Bahar, Hamid Mosaddeq, and Fereydoun Moshiri). *Contemporary Persian Literature*, 10(2), 31-49. doi: 10.30465/copl.2021.6145. [In Persian]

Hadi, R., & Nasiri, Z. (2013). The Structure of Simile in Khosrow and Shirin and Weiss and Ramin, *Persian Literature*, 2(2), 115-131. Doi: 10.22059/JPL.2014.50470. [In Persian]

Hakim Azar, M. (2011). The Method of Equation in Saadi's Ghazal. *Educational Literature*, 3(9), 163-184. [In Persian]

Rezaei Jamkarani, A. R. (2005). The role of simile in stylistic changes. *Persian Language and Literature Research*, 3(5), 85-100. [In Persian]

Soleimani, A., & Eskandari, B. (2017). A Comparative Analysis of Similes and Similes of Saadi Shirazi and Shafi'i Kadkani. *Literary Sciences*, 7(12), 199-232. doi: 10.22091/JLS.2018.1708.1080. [In Persian]

Yousefi, S., Khaledian, M. A., Hadi, R., & Abbaspour Esfadan, H. A. (1402). Comparative comparison of various forms of simile in Hadiqa Sana'i and Masnavi Manawi. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(55), 52-72. doi:10.30495/dk.2023.700256. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)
Volume 16, Number 62, Winter 2024, pp. 342-374
Date of receipt: 17/5/2023, Date of acceptance: 31/8/2023
(Research Article)
DOI:

۳۱۹ The role of simile in the creation of corroboration images in Simin Behbahani's poetry

Homeira Khanjani¹, Dr. Maryam Mahmoodi², Dr. Morteza Rashidi³

Abstract

Image is one of the topics of aesthetics that can be used to convey artistic beauty in a literary text to the audience by depicting the inner thoughts and feelings of a poet or writer. Image has a special place in Simin Behbahani's poems. Behbahani has combined imagination and inspiration with the help of verbal performances in such a way that he can express his emotional and sensual states in the form of imaginary images. In this research, which was conducted with descriptive-analytical method and based on library studies, the role of simile in creating corroboration images in Behbahani's poetry is investigated corroboration images are created with the intention of inducing and proving a sensory perception and rational thought; That's why analogy is very effective in creating these images. Behbahani has used similes in different ways to create corroboration images. Elaborate simile, specific, eloquent, eloquent, plural, implied, compound, and binding similes are tangible to tangible and reasonable to tangible similes, and representative similes are among the most frequent types of similes in this connection. Behbahani Basar has artistically used double similes to create corroboration images. Sensory similes have a high frequency in Behbahani's poetry, which are effective in creating corroboration images. The existence of brief proof images is also one of the characteristics of Behbahani's poetry, which has caused the multiplicity and confluence of images.

Keywords: rhetoric, image, corroboration image, simile, Simin Behbahani.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan, Iran. homeira1222@gmail.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan, Iran. (Corresponding Author) m.mahmoodi75@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan, Iran. mortezarashidi51@yahoo.com